



افسرخشی - مدرس

امروزه یکی از مسائل عمده جوانان امر ازدواج و تشکیل خانواده است. جوان از زمانی که به سن بلوغ می‌رسد فکر انتخاب شغل و گزینش همسر در کنار دیگر اهداف غایی وی لحظه‌ای او را راحت نمی‌گذارد. این که بالاخره چه کسی مناسب وی و همگام با خصوصیاتش او را به آرامش برساند، همواره او را به فکر وامی‌دارد.

به گفته ان - اکرمین «تصویر از خویش و تصویر از خانواده بطور متقابل به هم وابسته‌اند»<sup>(۱)</sup>

جوان هویت خویش را از سنین بلوغ بانثار عشق و محبت مورد شناسایی قرار می‌دهد و اگر در این راه موفق نگردد سرخورده شده به انزوا کشیده می‌شود (اریک اریکسون)<sup>(۲)</sup> این سرخوردگی و بیحاصلی اغلب در جوامع غرب مشاهده می‌گردد که جوان به تنهایی در این دنیای پرفراز و نشیب به پیکار با مشکلات می‌پردازد. اما خوشبختانه در جوامع اسلامی با توجه به سنت دیرینه نظام خانواده، جوان در پناه و حمایت عاطفی و خانواده به دور از هرگونه فساد با انتخاب همسری مناسب به کمال رشد خویش و آرامش می‌رسد. همانگونه که

قرآن می‌فرماید: یکی از نشانه‌های خداوند است که برایتان همسری آفرید تا موجب آرامشتان باشد و بین شما الفت و مهربانی قرار دارد.<sup>(۳)</sup> رسول اکرم (ص) می‌فرماید: ازدواج کنید تا روزی شما افزون گردد مسئله ازدواج در اسلام آنقدر اهمیت دارد که امیرمومنان علی (ع) فرمود: «افضل الشفاعات ان تشفع بین اثین فی نکاح حتی یجمع له بینهما بهترین شفاعت آن است که میان دو نفر برای امر ازدواج میانجیگری کنی تا این امر به سامان برسد.» وقتی پیامبر اکرم (ص) می‌فرمایند: «من تزوج فقد احرز نصف دینه فلیتق له فی النصف الثانی» کسی که همسر اختیار کند نیمی از دین خود را محفوظ داشته و باید مراقب نیمی دیگر باشد.» چرا ازدواج را در میان آداب و رسوم غلط و حتی خرافات پیچیده شده بصورت یک جاده صعب العبور و یا غیر قابل عبور در آوریم برخلاف حکم فطری و هماهنگ با قانون آفرینش، که انسان برای بقای نسل و آرامش جسم و روح و حل مشکلات زندگی نیاز به ازدواج سالم دارد.

نظر اسلام در مقابل کسانی که برای ازدواج نکردن خود عذری چون عدم

امکانات مالی می‌آورند چنین است که فقر نمی‌تواند مانع راه ازدواج گردد بلکه چه بسا ازدواج سبب غنی و بی‌نیازی می‌شود زیرا فرد تا مادامی که ازدواج نکند احساس مسؤلیت نمی‌کند. نه ابتکار و نیرو و استعداد خود را به اندازه کافی برای کسب درآمد مشروع بسیج می‌کند و نه به هنگامی که در آمدی پیدا کرد در حفظ و بارور ساختن آن می‌کوشد به همین دلیل افراد مجرد اغلب خانه بدوش و تهی دست‌اند. دلیل مجردان اغلب عدم سازگاری و تفاهم ذکر می‌شود باید به اینان گوشزد نمود آیا حوائج اولیه انسان را می‌توان از بین برد؟ خداوند برای بقای نسل در دو جنس مخالف غریزه جنسی را بنا نهاده و بطور طبیعی انسانها را وادار کرده تا بدرستی از آن استفاده کنند.

حتی پاره‌ای از روانشناسان چون فروید این غریزه را تنها غریزه اصیل انسان دانسته‌اند و تمام غرایز دیگر را به آن باز

۱- بویس شناسی روانی زندگی خانوادگی

۲- ERIKSON

۳- و من آیاته ان خلق لکم من انفسکم ازواجاً

لکنوا لیها و جعل بینکم مودة و رحمة ان فی

ذلک لآیات لغوم یفکرین (الروم - ۲۱)

ظلم کرده است هر چند که همسرش هیچگونه اعتراضی به این گونه زندگی نکند.

از دید روانی مرد خواهان ثروتی زیاد است و با تمام تلاشی که می‌کند قادر به دست یافتن به آن نمی‌گردد و چون نمی‌تواند شرایط مطلوبی برای همسرش فراهم سازد دچار محرومیت شدید شده در او عقده حقارت نسبت به مال و ثروت پدری همسرش ایجاد می‌گردد. این امر باعث می‌شود در ارتباط و معاشرتهای خانوادگی دچار مشکل شود و به کوچکترین بهانه‌ای با همسر یا خانواده او قطع ارتباط کند. در بسیاری از موارد مسأله اقتصاد موجب اختلاف در امر زناشویی می‌شود ولیکن در مواردی نیز گذشت بیش از حد همسر با وجودی که قلباً راضی به این عمل نیست موجب می‌شود خواسته‌های خویش را فدای خواسته‌های شوهر کند و در واقع خود را فدا می‌کند که این امر به «تمامیت خود» شخص لطمه وارد می‌سازد.

### ب - پایگاه اجتماعی : پایگاه

اجتماعی دو خانواده از دیگر مسائلی است که دختر و پسر می‌بایست قبل از ازدواج به آن توجه کنند البته پایگاه اقتصادی خودبخود پایگاه اجتماعی خانواده را به دنبال خواهد داشت و دو خانواده‌ای که اختلاف طبقاتی زیادی را دارند به یقین می‌توان گفت در ارتباط ناموفقند و عدم موفقیت دو خانواده

اجتماعی نیز دارای اهمیت است چرا که در سایه آن جامعه انسانی بنیان نهاده شده و جامعه نیز از تاثیر و تأثیر آن به دور نیست. ازدواج راهی برای آسایش جامعه و رفاه بشریت است چرا که امکان وصول به رفاه بدون تشکیل خانواده‌ای متعهد و مسئول وجود ندارد. تجربه نشان داده است که جدایی و از هم پاشیدن کانون خانواده برای زن و مرد آرامشی به دنبال نخواهد داشت بلکه احساس تنهایی، احساس شکست، افسردگی و کسالت دائماً گریبانگیر آنان خواهد بود لذا توصیه می‌گردد برای انتخاب همسر در جستجوی راهی باید بود که تا حد امکان مانع از بروز مشکلات آینده شود. مواردی چند از دیدگاههای اسلام و روانشناسان توصیه می‌گردد که توجه به آنها ضریب اطمینانی برای تحکیم بنیان خانواده خواهد بود.

در اسلام هم کفو بودن اصلی است که همواره توصیه شده و در هر زمینه‌ای اگر رعایت شود ثمره‌های شیرین دارد. و از دید متخصصین روانشناسی همین مسأله به بیانی دیگر مورد بررسی قرار می‌گیرد که در این زمینه می‌توان از پایگاه اقتصادی، پایگاه اجتماعی دو خانواده، مسأله دیدگاه سیاسی، فرهنگ و آداب و رسوم تحصیلات و مذهب یاد کرد.

### الف - نقش اقتصاد: از دیدگاه اسلام

مرد موظف است شرایطی همچون خانه پدر برای همسرش فراهم کند بنابراین اگر جوانی تهیدست دختر ثروتمندی را به همسری برگزیند اگر شرایط زندگی پیش از ازدواج را نتواند برایش فراهم سازد به او

می‌گردانند با آنکه اثرات و نتایج ازدواج طرد فحشاء، آرامش و اطمینان، بقای نسل، تکمیل و تکامل و ارضای گرایشهای غریزی است، اما بسیار دیده می‌شود که در اوج بروز این غریزه عوامل متعددی از جمله تحصیل دراز مدت، مسائل رفاهی و اجتماعی مانع ازدواج جوانان می‌گردد. پس آیا باید جوان را به سرکوب این غریزه تشویق کرد؟ آیا او را چون جوامع منحط به بی‌بندوباری جنسی ترغیب کرد یا راه سومی وجود دارد؟ آیا نباید انجام این امر خطیر را برای جوانان آسان نمود؟

### از دید اسلام، بهترین ازدواج آن

است که آسانتر انجام شود و هر قدر فرد با ایمان تر باشد به ازدواج با شرایط آسانتر تن می‌دهد. اسلام همچون غریبه‌ها و روانشناسان قرن بیستم این چنین پیچیده به ازدواج نمی‌نگرد که معتقدند: ازدواج پیچیده‌ترین رابطه انسانی است. در روابط انسانی بین دو نفر کمتر پیوندی است که احساساتی چنان عظیم و در نوسان بین دو قطب شادی و غم ایجاد کند بطوریکه دو موجود که یک روز با امید و عشق به هم پیوسته‌اند روز دیگر از پله محضر طلاق بالا روند و دلیل جدایشان «ظلم و خشونت بی‌حد روحی» عنوان گردد.<sup>(۱)</sup> از نظر اسلام ازدواج پیمانی مقدس است پیمانی است که برقراری آن براساس مقررات، آداب و رسوم، تشریفات سنن و قوانین خاصی است در سایه آن برای طرفین تعهدات و حقوقی پدید می‌آید که تخلف از آن موجب عقوبت و کیفر است. حتی از نظر

۱- دکتر فائمی، علی. خانواده و مسائل

موجب اختلاف بین زوجین خواهد شد.

**ج - تحصیلات:** مقوله تحصیلات از امور بسیار حساس و مهم در تحکیم اساس یک ازدواج محسوب می‌گردد. فضای روانی خانه وقتی گرم و محبت آمیز است که زن و شوهر حرفی برای گفتن به یکدیگر داشته باشند همدیگر را بفهمند. در واقع از نظر سطح تحصیلات به هم نزدیک باشند. و اگر هر دو شاغلند مطلوبتر است که شغلشان در یک زمینه باشد. (شوهرپزشک همسر پرستار). مردانی که به دنبال ثروت یا زیبایی با دختری ازدواج می‌کنند پس از مدتی شوق گذشته را از دست داده بتدریج نسبت به همسر بیگانه می‌شوند. گاه نیز مرد با دختری با تحصیلات بسیار بالاتر از خویش ازدواج می‌کند و یا همسر در منزل شوهر ادامه تحصیل می‌دهد. که این خود گاهی باعث بروز آشفتگی در روابط زن و مرد می‌گردد زیرا مدیریت و تأمین مخارج، علی‌القاعده به عهده شوهر است و چون پیامد تحصیلات بالا شغل بهتر و در نتیجه اجرت بیشتری را در پی دارد نتیجتاً و به طور ناخودآگاه مرد احساس کمبود و ضعف را در مقابل همسر نموده در صدد برمی‌آید این نقصه را به طریقی جبران نماید. در نتیجه یا کمبودهایش را با پناه بردن به سرگرمیهای نامناسب جبران می‌کند و یا از هرگونه فعالیت و پیشرفت دست می‌شوید. تحقیقات وسیع انجام شده در جوامع غرب بویژه آمریکا تضعیف روابط منطقی و حسنه همسران را توانمندی بیش از حد زنان در مشاغل

دانسته و آمار و ارقام بیانگر حاکمیت جوّ زن سالاری بر رابطه زن و شوهر بوده است که این خود از پدیده‌های منفی جوامع صنعتی غرب بشمار می‌رود و تأثیر بسیار زیادی نیز در تزلزل بنیان خانواده دارد. به همین دلیل همواره کارشناسان و دانشمندان تأکید بر همخوانی و نزدیک بودن میزان تحصیلات و جایگاه اجتماعی را یادآوری می‌کنند.<sup>(۱)</sup> اگر اختلاف تحصیلات مرد با همسر برابر و یا یک درجه بیشتر باشد تحقیق نشان داده است به مراتب روابط زن و شوهر از اعتماد و مشارکت در تصمیم‌گیریها، مصاحبت مطلوب و حقوق متساوی بیشتری برخوردار بوده است.<sup>(۲)</sup>

اغلب مراجعین کلینیکهای مشاور خانواده را امروزه زنانی تشکیل می‌دهند که با ادامه تحصیل خویش روزبه روز در روابط زناشویی از همسرشان دورتر شده و در جدایی مرددند. اندیشه جدایی، برایشان احساس گناه به بار می‌آورد و اگر ادامه زندگی دهند احساس فنا شدن می‌کنند. در مورد تحصیلات کارشناسان همواره پیشنهاد برابری تحصیل و حتی مرتبه بالاتری از تحصیلات را برای مرد لازم می‌دانند و نیز معتقدند زمینه کاری طرفین اگر به هم نزدیک باشد بر مصاحبت مطلوب (کلامی و غیرکلامی) افزوده خواهد شد.<sup>(۳)</sup>

**ح - سن:** اختلاف سن زن و شوهر یکی دیگر از مسائلی است که به هنگام ازدواج الزاماً می‌بایست مورد توجه قرار

گیرد. در شرع مقدس اسلام دختر در سن ۹ سالگی به بلوغ شرعی<sup>(۴)</sup> یعنی سن تکلیف می‌رسد و پسر در سن ۱۵ سالگی و در این سنین ملزم به انجام واجبات الهی می‌گردند. به دنبال آن بلوغ روانی (بلوغ شخصیت) به معنای پختگی هوش، درک مفاهیم اخلاقی، نقطه اوج حافظه و کمال اراده و انفعالات در فرد ایجاد می‌گردد. همانگونه که ذکر شد معمولاً دختر ۳ تا ۶ سال زودتر از پسر به بلوغ روانی می‌رسد. در زندگی مشترک زناشویی<sup>(۵)</sup> طرفین می‌بایست برای ایجاد جو روابط مطلوب خانوادگی به مرحله‌ای از رشد بلوغ شخصیت رسیده باشند و بتوانند عهده دار مسئولیت زندگی خویش و دیگران گردند. کارشناسان در این زمینه معتقدند دختران در سنین ۱۸ تا ۲۴ سالگی به این رشد می‌رسند. لیکن پسران با چند سالی تأخیر به این امر دسترسی می‌یابند. بنابراین در امر ازدواج مطلوبترین اختلاف سن بین زن و مرد را (۴ تا ۸) سال تشخیص می‌دهند. برخی دیگر اعتقاد به (۳ تا ۱) سال را دارند ولیکن هر دو گروه بهترین و مطلوبترین سن اختلاف را ۷ سال می‌دانند. البته به تجربه نیز این مسأله به اثبات رسیده است. متأسفانه اغلب مشاهده می‌شود پسران با همسرانی چند

۱- دکتر قاضی، قاسم، انسان سلطه جو

۲- دکتر سیف، سوسن، روان‌شناختی خانواده

۳- دکتر سیف، سوسن، روان‌شناختی خانواده

۴- pulesty

۵- علیرضا مرآوی، رضا کریم رضایی،

انتخاب همسر توجه می‌کنند و بعدها در زندگی دچار مسائلی عدیده می‌گردند. بطور مثال زن به امام جماعت مسجد رجوع می‌کند و همواره مضطرب است که آیا روزی وی حلال و طیب است؟ و هزاران مشکل دیگر... بهتر و ارزنده تر آن است که قبل از تشکیل زندگی مشترک به این مسأله بسیار مهم توجه شود. زیرا عدم دقت در این امر موجب می‌شود آنچه برای فردی ارزش است و به آن اعتقاد دارد و عمل می‌نماید برای طرف دیگر ضد ارزش محسوب گردد. بنابراین به جوانان توصیه می‌گردد لزوماً ملاکهای ذکر شده را مورد توجه و عنایت قرار دهند. بویژه اعتقادات مذهبی و پایبندی به شعائر مذهبی که عدم آن در زندگی زناشویی و مشکلات عدیده ناشی از آن نیاز به گفتاری دیگر دارد که در آینده لزوماً به آن می‌پردازیم.

مبادا ذکر موارد یاد شده که برای تحکیم هر چه بیشتر اساس خانواده گفته شد باعث شود جوانان ما از امر ازدواج سرباز زنند. زیرا با تمام اینها در جامعه اسلامی ما خوشبختانه یک سیستم ایمنی بسیار اندیشمند وجود دارد. آن هم وجود همسران و مادران با دیانت ماست. زن مسلمان آگاه است چرا ازدواج می‌کند. مقصود او از ازدواج به دست آوردن ظواهر فریبنده دنیوی نیست. او آموخته است گذشت و نادیده گرفتن مشکلات، زندگی منشأ بسیاری از خیرات و سعادت‌مندی وی در زندگی زناشویی است. زن مسلمان هرگاه مشکلی سد راه زندگی خانوادگی شود با بردباری و

خویش می‌رسد ولی غالباً در این نوع زندگیها جو ناسالمی بر روابط زن و مرد حکمفرما می‌باشد که گاه به جدایی نیز منجر گردیده است.

#### ۵- اختلاف شدید در دیدگاه

**فرهنگی:** آداب و رسوم، زبان و سنن خانواده‌ها از دیگر مسائل بسیار مهم است که عدم توجه به آن موجب اختلافات زن و شوهر خواهد شد. مانند مورد تمسخر قرار گرفتن یکی از زوجین توسط دیگری به لحاظ داشتن لهجه‌ای خاص و یا عدم درک طرف مقابل به جهت نداشتن زبانی مشترک

#### و- دین: مهمترین عاملی که

می‌توان گفت نقش بسیار در بقای بنیان خانواده دارد، دین و اعتقادات طرفین است. از نتایج دیانت و تقوای زوجین، رابطه صحیح بین زن و مرد، آرامش خاطر و عدم وجود اضطراب و نگرانیها، تربیت فرزندان سالم و نیکوکار، عدم کینه و عداوت و غیبت در روابط خانوادگی، همکاری و احترام متقابل و حسن خلق می‌باشد حال با توجه به مواردی که ذکر شد شایسته تر نیست زن یا مرد، همسری را برای خویش انتخاب کند که تا پایان عمر چنین جوی حاکم بر زندگیش باشد؟ امام حسن (ع) می‌فرماید: «دخترت را به فرد با تقوا بده چه اگر او را دوست بدارد احترامش کند و اگر دشمن بدارد بدو ستم نکند.»

متأسفانه گاهی جوانان بنابه دلایلی خاص کمتر به این امر بسیار مهم در

سال بزرگتر و یا دختران با شوهرانی که حتی ۲۰ سال اختلاف سنی دارند ازدواج می‌کنند. در هر دو مورد رواتشناسان کمبودهای روانی در آنان مشاهده کرده‌اند. در این نوع ازدواجها، مرد روابط مادر و فرزندی را بر روابط زناشویی ترجیح می‌دهد و زن به شوهر به چشم پدر می‌نگرد. البته ممکن است هر یک از طرفین تا پایان عمر در کنار یکدیگر بسر برند و احساس رضایت نیز بنمایند ولیکن رابطه مطلوب و تفاهم طرفین در این نوع ازدواجها عملاً مشاهده نمی‌گردد و هریک تنها کمبود عاطفی خود (عدم وجود محبت پدر یا مادر) را در این نوع ازدواج می‌جوید.

#### د- اهداف زندگی زن و مرد: هدف

از زندگی نیز یکی دیگر از مقولات پر اهمیت زندگی زناشویی است و تأثیر بسزایی در روابط زن و مرد دارد. تعداد فرزندان، ادامه تحصیل، رفاه بیشتر، شاغل بودن زن، چگونگی محل زندگی از جمله مسائلی است که بهتر است قبل از ازدواج زن و شوهر صادقانه آنها را مطرح کنند. گاه زن فکر می‌کند می‌تواند پس از ازدواج همسرش را راضی کند که به شغل خویش بپردازد و یا مرد با خود می‌اندیشد، پس از ازدواج مانع کارکردن همسرش خواهد شد. این مسائل بسیار مهم است و گاهی موجب بروز بحران در روابط زن و شوهر و نهایتاً جدایی آنها خواهد شد. درست است که روابط زن و مرد پس از ازدواج مقداری تعدیل می‌گردد و هریک در کنار دیگری به درجه کمال

نادیده گرفتن مشکلات زندگی مشترکش را شیرین تر و محکمتر می‌کند. از والاترین الگوی بانوان دو عالم حضرت فاطمه (س) می‌آموزد که چگونه در اوج فقر در کنار همسرش باشد و لحظه‌ای در کشاکش دهر او را تنها نگذارد و با چنین الگویی زن مسلمان گوی فداکاری را از دیگر زنان می‌رباید و مستحکمترین روابط خانوادگی را پی ریزی می‌کند.

زن مسلمان ما بر خلاف زنان جوامع دیگر که به کوچکترین بهانه امر به جدایی

می‌دهند، می‌داند مغبوض ترین حلال نزد خداوند طلاق است. او از جدایی دورنمای وحشتناکی در ذهن خویش ساخته و هنگام ازدواج از مادر با ایمانش آموخته که باید با لباس سفید به خانه بخت برود و با پیراهن سفید (کفن) از منزل شوهرش خارج شود. هرگاه مشکل غیرقابل تحملی، سد راهش می‌شود با جدای خویش خلوت می‌کند، به راز و نیاز می‌پردازد و همواره از خداوند خیر و صلاح خود و خانواده‌اش را طلب می‌کند.

به جوانان بویژه دختران جوان توصیه ۳۹ می‌شود بر خداوند توکل کنند. مهمترین ملاک را برای انتخاب همسر تقوا و نجابت وی قرار دهند چرا که دیگر مسائل در سایه ایمان همسر به آسانی حل خواهد شد. و با این اقدام خداپسندانه مطمئن باشند بیش از پیش برنیمی دیگر از دین خویش خواهند افزود.

والسلام

### ادامه مبحث شروط ضمن عقد نکاح از صفحه ۱۱

و مقتضای خود به عقد لازم تبدیل کرد.» به همین جهت طلاقیه که به صورت وکالت از جانب زن انجام می‌گرفت را شبهه‌ناک می‌دانستند.<sup>(۱)</sup>

سوالی در اینجا به ذهن می‌آید که آیا تفویض طلاق به زن برخلاف مقتضای عقد نکاح است یا نه؟ و یا برخلاف قوانین نمی‌باشد؟ تعیین مقتضای پاره‌ای از عقود آسان است، زیرا غرض و اثر اصلی عقد را به روشنی می‌توان تمیز داد. ولی در نکاح به دشواری ممکن است اثری را که وابسته به ذات و ماهیت عقد است تشخیص داد. نکاح بین عقود دیگر وضعیت حقوقی خاصی را پیدا کرده و

جنبه اجتماعی او بر جنبه فردی برتری داده شده است. لذا زوجین نمی‌توانند نکاح را به اراده خود اقاله کنند. امام مسلماً تفویض طلاق بدون وکالت برخلاف ماهیت عقد است. زیرا خداوند متعال با توجه به «الطلاق بید من اخذ بالساق» طلاق را به دست مرد قرار داده است و مرد این حق را فقط از طریق وکالت می‌تواند به دیگری تفویض کند و گرنه سپردن حق طلاق به زن برخلاف مقتضای عقد نکاح می‌باشد.

اما اینکه برخلاف قوانین آمره نیز می‌باشد یا خیر؟ بعضی از حقوق‌دانها چنین جواب داده‌اند که زن نمی‌تواند بر

شوهر شرط کند که حق دادن طلاق با او باشد قانون ماده ۱۱۳۳ ق.م. که می‌گوید مرد می‌تواند هر وقت که بخواهد زن خود را طلاق دهد حق طلاق را منحصرأ به شوهر داده و از قوانین آمره می‌باشد ولی چنانکه گذشت ضمن عقد نکاح یا عقد لازم دیگری می‌توان شرط نمود که زن از طرف شوهر وکیل باشد که خود را طلاق دهد. در این صورت زن بعنوان نمایندگی از شوهر، خود را طلاق می‌دهد.<sup>(۲)</sup>

۱- به نقل از آیت الله مهدوی کنی

۲- حقوق مدنی (امامی ج ۴ ص ۳۶۷-۳۶۸)